



پیشینه و سیر نگارشیهای دانش مکی ومدنی

مهدی کمانی نجفآبادی
کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

چکیده

دانش شناخت آیات مکی و مدنی از شاخه‌های مهم علوم قرآن و از مقدمات تفسیر قرآن قلمداد می‌شود که بستر و شالوده آن را باید در صدر اسلام جستجو کرد. این دانش در سده دوم به شکلی بسیط و صرفاً در قالب روایات و اخبار ظهور یافت و به شکل رساله‌هایی مختصر یا در ضمن کتب تفسیر، فضائل القرآن و ناسخ و منسوخ ارائه گردید. بعد از آن در سده پنجم با ظهور مجموعه‌های علوم قرآنی بارور گشت و رفته‌رفته دامنه مباحث روایی و سپس مباحث نظری آن گسترش یافت.

بررسی سیر نگارشیهای علم مکی و مدنی نشان می‌دهد بحث مکی و مدنی به ترتیب تاریخی در هشت قسم از کتب مطرح شده است:

۱. در تک‌نگاری‌های اولیه؛ ۲. در کتب تفسیر (ابتدا در صدر تفسیر سوره‌ها و بعدها در مقدمه تفاسیر نیز مورد بررسی قرار گرفت)؛ ۳. در کتب فضائل القرآن؛ ۴. در کتب ناسخ و منسوخ؛ ۵. در کتب عد الایات؛ ۶. در میان فصول کتب علوم قرآنی؛ ۷. در کتب تاریخ قرآن؛ ۸. در تک‌نگاری‌های پسینی (معاصر).



۱. مکی و مدنی در لغت

اصطلاح مکی و مدنی به لحاظ لغوی ترکیب عطفی دو اسم منسوب «مکی» و «مدنی» است. واژه «مکی» اسم منسوب از «مکه» شهر معروف در عربستان است یا به قول سمعانی (م ۵۶۲ ق): «نسبه إلي أشرف بقعه علي وجه الأرض، منزل الأنبياء، و مهبط الوحي».^۱ این واژه در قرآن یک بار در سوره فتح، آیه ۲۴ آمده است.^۲

در وجه تسمیه مکه در لسان العرب، مفردات راغب اصفهانی و دیگر کتب اقوالی ذکر شده است، از جمله گفته شده «اشتقاق مکه من: تَمَكَّتْ العظم: أخرجتُ محَّه، و امتكَّ الفصيلُ ما في ضرع أمه»^۳ و «قيل: سُميت بذلك لقله مائها، و ذلك أنهم كانوا يَمْتَكُونُ الماءَ فيها أي يستخرجونه»^۴ بنابراین چون تمکک و امتکاک به معنای «استخراج مکنون چیزی است» و در سرزمین مکه نیز به دلیل کمی بارش و نبود چشمه و رود می‌بایست آب را از دل زمین استخراج می‌کردند لذا نام این سرزمین را به همین مناسبت «مکه» نامیدند.

واژه «مدنی» اسم منسوب از «مدینه» است؛ «مدینه» علم بالغلبه است برای «مدینه النبی». این نام به معنای علم آن چهار مرتبه در قرآن ذکر شده است چنانکه خداوند در سوره توبه می‌فرماید: ﴿وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مُتَافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُّوا عَلَى النَّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَنُعَذِّبُهُمْ مَّرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ﴾.^۵ سمعانی می‌گوید که منسوب بدانجا را «مدنی و مدینی» گویند.^۶

البته پیامبر صلی الله علیه و آله نام «طیبه» (بر وزن مکه) را نیز به امر الهی بر آن نهاد. در خبری از ایشان آمده است: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَمَرَنِي أَنْ أَسْمِيَ الْمَدِينَةَ طَيِّبَةً».^۷



۲. تعریف علم مکی و مدنی

در گذشته به مبحث آیات مکی و مدنی کمتر به دیده یک علم مستقل نگاه شده و حداکثر با عنوان «معرفة المکی و المدنی»^۸ در شمار یکی از علوم قرآنی به گونه‌ای مجمل بدان نگریسته‌اند لذا کمتر هم اثری از تعریف علم مکی و مدنی در کتابهایی که به تعریف علوم و فنون می‌پردازند همچون «مفتاح السعادة» اثر طاش کُبری زاده

(م ۱۳۰۷ق) و کتاب «أبجد العلوم» اثر قنوجی (م ۱۳۰۷ق) یافت می‌شود.^۹

با نگرستن در سخنان دانشوران علوم قرآن و آنچه ذیل این باب در کتب علوم قرآنی آمده است می‌توان این علم را بدین صورت تعریف کرد: «دانشی است که به تعیین مکان و زمان نزول آیات و هر آنچه مربوط به این دو می‌شود، می‌پردازد.»^{۱۰} تذکر چند نکته لازم است:

۱. مراد از تعیین زمان نزول، زمان نسبی است یعنی نسبت به هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله. تعیین تاریخ نزول هر واحد نزول را دانش تاریخ‌گذاری قرآن (کرنولوژی) - که از شاخه‌های همین دانش تلقی می‌شود - عهده‌دار است.

۲. مراد از «هر آنچه مربوط به این دو می‌شود» مسائلی است نظیر: شناخت سوری که در مکی یا مدنی بودن آنها اختلاف است، شناخت آیات مستثنی، ضوابط شناخت آیات مکی و مدنی، آنچه در مکه نازل شده است و حکمش مدنی است، آنچه در مدینه نازل شده است و حکمش مکی است و ...

پژوهش‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 مجله علمی پژوهشی علوم انسانی

۳. مهمترین سرفصلهای علم مکی و مدنی و عناوین دانش شناخت آیات و سور مکی و مدنی در دو بخش اصلی قرار می‌گیرد:

الف) مباحث روایی

شناخت سور مکی؛ شناخت سور مدنی؛ شناخت سور مدنی؛ سوری که در آنها اختلاف شده؛ آیات مکی در سور مدنی و بالعکس؛ شناخت آیاتی که در مکانهایی غیر از مکه و مدینه نازل شده‌اند.



ب) مباحث نظری

فوائد شناخت مکی و مدنی بودن سور؛ معیارهای مکی و مدنی نامیدن آیات و سور؛ ضوابط تشخیص مکی و مدنی؛ ویژگی‌های آیات و سور مکی و مدنی؛ شبهات مستشرقان درباره آیات و سور مکی و مدنی.

پیشینه و سیر نگارش‌های علم مکی و مدنی

شناخت تاریخ و پیشینه هر علمی از اهمیت فراوانی برخوردار است چرا که برکات و فوائد بسیاری در بردارد از جمله:

- آبخورهای پژوهش در آن علم را به دست می‌دهد؛
 - فراز و فرود و نقاط عطف آن علم را به محقق می‌شناساند لذا در تحلیل مسائل آن علم رهنمای وی می‌گردد؛
 - نشان می‌دهد کاروان آن دانش تا کدام منزل پیش رفته است و کاستی‌ها و نواقص آن کجاست؛
 - طلایه‌داران آن علم و جایگاه آنان را می‌نمایاند تا میزان اعتبار سخن هر کدام روشن گردد؛
 - نگاهی کلی و دیدی جامع به دست می‌دهد و جایگاه و اهمیت آن علم را روشن می‌سازد؛
 - مسائل و موضوعات و سرفصل‌های گوناگون آن علم را روشن می‌کند؛
 - و فوائد خرد و کلان بسیاری دیگر.
- بدین سبب به پیشینه و سیرنگارش‌های دانش مکی و مدنی می‌پردازیم.

سده اول (پیدایش بستر و زمینه)

قرآن پژوهان از صدر اسلام به ویژگی‌های بیرونی آیات قرآن اهتمام و توجه ویژه‌ای داشته‌اند بدان حد که علاوه بر شناخت و اهتمام به سبب نزول آیات و فرد یا افرادی که واحدی از نزول درباره وی یا ایشان نازل شده، به مسائل جزئی نظیر مکان و زمان نزول آیات دقت داشته‌اند.



بخاری از ابن مسعود (م ۳۲ ق) نقل کرده که وی گفته است: «والذی لا إلهَ غیره ما نزلتْ آیه من کتاب الله تعالی إلا و أنا أعلمُ فیمن نزلت و این نزلت»^{۱۱} و از حضرت علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «والله ما نزلت آیه إلا و قد عَلِمْتُ فیما نزلت و این نزلت و علی من نزلت، إن ربی وَهَبَ لی قلباً عَقولاً و لساناً طلقاً»^{۱۲} و نیز از آن حضرت منقول است که فرمود: «سلونی عن کتاب الله فَإِنَّه لیس مِن آیه إلا و قد عرفتُ بلیل نزلتْ أم بنهار، فی سهلٍ أم فی جبل».^{۱۳} و نیز نقل شده که فردی از عکرمه (م ۱۰۵ ق) درباره آیه‌ای سؤال کرد، وی به کوه سَلَع^{۱۴} اشاره کرد و گفت که آن آیه در دامنه آن کوه نازل شده است.^{۱۵}

دکتر صبحی صالح می‌نویسد:

بطور کلی، مسائل بسیار جزئی را - هر چند از نظر ما پیش پا افتاده هستند - راویان برای آنها ارزش دینی و اجتماعی فراوان قائلند و بر همین پایه احساس مسئولیت می‌کنند تا با کمال امانت و دقت، تصویر واقعی هر یک از این موارد جزئی را ترسیم کنند و بدون کم و زیاد - مطابق با اصل - ارائه دهند.^{۱۶}

از همان زمان بود که اصطلاح مکی و مدنی نیز بر زبان شماری از صحابه و تابعین همچون ابن عباس (م ۶۸ ق)^{۱۷}، میمون بن مهران (م ۱۱۷ ق)^{۱۸} و دیگران جاری شد و پایه‌گذار علمی سودمند در مسیر شناخت بهتر قرآن گردید.

سیوطی گفتاری از قاضی ابوبکر باقلانی (م ۴۰۳ ق) می‌آورد که در شناخت مکی و مدنی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله چیزی وارد نشده چرا که بدان مأمور نبوده است^{۱۹} و زرکشی بر این گفتار می‌افزاید که اگر از پیامبر صلی الله علیه و آله چیزی در این باره وارد شده بود حتماً آشکار و منتشر می‌گردید.^{۲۰}

با این همه در این سده مدار علوم دینی نقل و تلقی از استاد و مشافهه بوده است نه خط و کتابت در صحف چرا که از یک سو امکانات نگارشی کم بوده و از دیگر سو منع نگارش حدیث، سیاست خلفای صدر اسلام بوده است، بنابراین صحابه و تابعان به حفظ و روایت اکتفا می‌کردند.



این امر تا عصر تدوین ادامه داشت، یعنی زمانی که معارف و علوم قرآنی در صحیفه‌هایی مدون شد و از صدور به سطور منتقل گردید.

سده دوم (دوره آغاز تدوین)

به دلیل پیوند میان حدیث و سایر علوم همچون علوم قرآنی با شکسته شدن ممنوعیت نگارش حدیث در زمان عمر بن عبدالعزیز (م ۱۰۱ق) از خلفای اموی تدوین علوم به شک بسپت و به صورت احادیث و اخبار آغاز گشت و در عصر عباسیان گسترش یافت و شامل بسیاری از علوم دینی و حتی علوم غیر دینی شد.

تألیف درباره مکی و مدنی از این سده به دو شکل آغاز شد:

۱. نگارش روایات ترتیب نزول و روایات بیانگر سور مکی و مدنی، به شکل رساله‌هایی مختصر؛ به عنوان نمونه می‌توان از عکرمه (م ۱۰۵ق) و حسن بصری (م ۱۱۰ق) نام برد که به گزارش ابن ندیم درباره «نزول قرآن» دارای تألیف هستند.^{۲۱}

همچنین محمد بن مسلم بن شهاب زُهری (م ۱۲۴ق) - از محدثان و فقیهان قرن دوم هجری^{۲۲} - رساله‌ای مختصر با عنوان «تزیل القرآن بمکة و المدینة» در ترتیب سور مکی و مدنی به نگارش در آورده است. این اثر با تحقیق دکتر صلاح الدین المنجد، ضمن مجموعه‌ای از رساله‌های متنوع چاپ شده است.^{۲۳}

۲. صدر تفسیر هر سوره؛ اولین تألیفی که به بیان نوع آیات سور در آغاز تفسیر هر سوره پرداخت، مربوط به این سده است. مقاتل بن سلیمان (م ۱۵۰ق) در تفسیر خود به شکل درخور توجهی در آغاز تفسیر هر سوره به مکی یا مدنی بودن آن سوره اشاره کرده است و شیوه‌ای را ابداع کرده است که تاکنون نیز در تفاسیر مورد پیروی است.

سده سوم (تالیفات ضمنی)

از این سده یعنی با گذشت حدود دویست سال از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله دانشمندان رساله‌های مختصر را به کتبی مفصل‌تر ارتقا دادند و در واقع مجموعه‌هایی از چند باب متناسب را کنار هم به عنوان کتاب عرضه می‌کردند. البته این تالیفات در حوزه علوم دینی، به ندرت از نقل اخبار و روایات پا فراتر می‌گذاشتند. مبحث «مکی و مدنی»



نیز تا پیدایش مجموعه‌هایی به نام «علوم القرآن» در قرن پنجم هجری به دیده علمی مستقل مورد توجه نبود لذا تا آن زمان در ضمن این مجموعه‌ها که به «فضائل القرآن» یا «ناسخ و منسوخ» یا «بیان شمارآیات» یا دیگر موضوعات می‌پرداختند به شکلی مختصر و در قالب بیان روایات ظهور یافت.

در این سده تالیفاتی با عنوان «فضائل القرآن» ظهور یافت که هدف اصلی این تالیفات بیان فضیلت و آداب قرائت و حفظ قرآن و نیز فضیلت سور و برخی آیات مانند آیه الکرسی بود؛ ولی در کنار این بخش، کم و بیش به پاره‌ای مسائل و مباحث قرآنی می‌پرداختند. ابو عبید، قاسم بن سلّام هِرووی (م ۲۲۴ ق) - منسوب به هرات از بلاد خراسان قدیم،^{۲۴} از فرزندان قرن سوم که در حدیث، قرآن، حدیث، فقه و لغت تالیفات سودمندی دارد - در این سده کتابی به نام «فضائل القرآن» نگاشته که باید آن را آغازین کوشش‌های جدی برای جمع و تدوین بخشی از عناوین علوم قرآنی تلقی کرد. در این کتاب بابی را با عنوان «باب منازل القرآن بمکه و المدینه و ذکر أوائله و أواخره» نگاشته است که حاوی پاره‌ای روایات است درباره اولین و آخرین آیات و سور نازل شده، ضوابط شناخت سور مکی و مدنی و نیز ترتیب نزول سور در مکه و مدینه.^{۲۵} روایات این کتاب به جهت تقدم و در دست بودن آن پیوسته منبع کتب بعدی قرار گرفته به ویژه روایات ضوابط شناخت سور مکی و مدنی آن.

ابن ضُرَیْس بَجَلِی^{۲۶} رازی (م ۲۹۴ ق) نیز در قرن سوم کتابی به نام «فضائل القرآن و ما أنزل من القرآن بمکه و ما أنزل بالمدینه» می‌نگارد و بابی را با عنوان «باب فیما نُزِّلَ مِنَ الْقُرْآنِ بِمَكَّةَ وَ مَا نُزِّلَ بِالْمَدِیْنَةِ» می‌نگارد و به ذکر روایتی درباره ترتیب نزول و روایاتی درباره آخرین آیه و سوره نازل شده، اولین آیه و سوره نازل شده و جز اینها می‌پردازد.^{۲۷}

در همین قرن حارث بن أسد مُحَاسِبِی (م ۲۴۳ ق) - از متکلمان و صوفیان بلندآوازه این عصر - در کتابی با عنوان «فهم القرآن» که در حوزه علوم قرآنی و تاریخ تصوف اسلامی اثری ارزشمند تلقی می‌شود و در قسم ششم - ذکر الناسخ و المنسوخ فی الاحکام - به مبحث مکی و مدنی و ارتباط آن با نسخ، سور مدنی و مکی و ضوابط



شناخت آنها می‌پردازد.^{۲۸} این کتاب به همراه کتاب دیگری از وی به نام «العقل» یکجا با عنوان «العقل و فهم القرآن» چاپ شده است.

سده چهارم^{۲۹}

در قرن چهارم ابو الفرج، محمد بن ابی‌یعقوب معروف به الندیم (م ۳۸۵ ق) کتابی به نام الفهرست - که مجموعه‌ای کتاب‌شناخت از کتب تا عصر مولف است - را تالیف می‌کند و در گفتار اول - از ده گفتار کتاب - ذیل فن سوم به مسائلی پیرامون قرآن و کتبی که درباره وجهی از وجوه قرآن نگاشته شده است می‌پردازد. در همین جا بابتی تحت عنوان «باب نزول القرآن بمكة والمدینة و ترتیب نزوله» نگاشته است و چند روایت درباره ترتیب نزول قرآن در مکه و مدینه را ذکر کرده است.^{۳۰}

سده پنجم (شکوفایی علم مکی و مدنی)

با آغاز نگارش کتب علوم قرآنی در این سده شناخت آیات مکی و مدنی و مسائل مختلف پیرامون آن عملاً به عنوان یک علم در شمار یکی از علوم قرآنی فصلی از این کتب را به خود اختصاص داد. بنابراین سده پنجم را باید نقطه عطفی در سیر تکامل دانش مکی و مدنی دانست.

در این سده دانشمندی ادیب و مفسر، به نام ابوالقاسم حسن بن محمد نیشابوری (م ۴۰۶ ق) در نیشابور مصدر انتشار علوم قرآنی می‌شود. سیوطی در طبقات المفسرین می‌گوید:

الحسن بن محمد بن حبيب بن أيوب أبوالقاسم النيسابوري الواعظ المفسر قال عبد الغفار إمام عصره في معاني القرآن وعلومه مصنف التفسير المشهور وكان أدبياً نحويًا عالماً بالمغازي و القصص و السير انتشر عنه بنيسابور العلم الكثير و سارت تصانيفه الحسان في الآفاق و كان أستاذ الجماعة.^{۳۱}

وی کتابی با عنوان «التنبیه علی فضل علوم القرآن» می‌نگارد و - احتمالاً برای نخستین بار - عنوان «علوم القرآن» را در معنای مصطلح آن به کار می‌گیرد و از شاخه‌ها



و مسائل مختلف دانش مکی و مدنی سخن می‌گوید و به حدود بیست وجه از وجوه این علم اشاره می‌کند. وی در مقدمه این کتاب می‌نویسد:

من أشرف علوم القرآن: (۱) علم نزوله،^{۳۲} و (۲) جهاته^{۳۳}، (۳) و ترتیب ما نزل بمكة ابتداء و وسطا و انتهاء، (۴) و ترتیب ما نزل بالمدينة كذلك، (۵) ثم ما نزل بمكة و حكمه مدني، (۶) و ما نزل بالمدينة و حكمه مكي، (۷) و ما نزل بمكة في أهل المدينة، (۸) و ما نزل بالمدينة في أهل مكة، (۹) ثم ما يشبه نزول المكي في المدني، (۱۰) و ما يشبه نزل المدني في المكي، (۱۱) ثم ما نزل بالبحفة، (۱۲) و ما نزل ببيت المقدس، (۱۳) و ما نزل بالطائف، (۱۴) و ما نزل بالحدیبیة، (۱۵) ثم ما نزل ليلًا و ما نزل نهارًا، (۱۶) و ما نزل مشيعًا و ما نزل مفردًا، (۱۷) ثم الآيات المدنيات في السور المكية، (۱۸) والآيات المكية في السور المدنية، (۱۹) ثم ما حمل من مكة إلى المدينة، (۲۰) و ما حمل من المدينة إلى مكة، (۲۱) و ما حمل من المدينة إلى أرض الحبشة، (۲۲) ثم ما نزل مجملًا، (۲۳) و ما نزل مفسرًا، (۲۴) و ما نزل مرموزًا، ثم (۲۵) ما اختلفوا فيه، فقال بعضهم: مكي وبعضهم مدني.

هذه خمسة و عشرون وجها من لم يعرفها و يميز بينها لم يحل له أن يتكلم في كتاب الله تعالى.^{۳۴}

البته اکنون کتابی با این عنوان از مولف یادشده در دست نیست؛ اما کتابی به نام «التنزيل و ترتیبه» توسط محمد عبدالکریم کاظم الراضی تحقیق شده و در مجله عراقی المورد، شماره ۶۸، زمستان ۱۳۶۷ ش (صص ۳۰۵-۳۲۲)^{۳۵} چاپ شده است که فصلی از کتاب «التنبيه علي فضل علوم القرآن» است و گزارش زرکشی از کتاب «التنبيه علي فضل علوم القرآن» و دیگر مطالبی که زرکشی در ادامه آورده است عینا در کتاب یاد شده آمده است.^{۳۶}



در این کتاب بعد از ذکر وجوه بیست و پنج گانه به غالب آنها می‌پردازد و هر یک را با شواهدی تبیین می‌کند.

در همین قرن ابوالحسن ماوردی^{۳۷} (م ۴۰۵ ق) در تفسیر خود، النکت و العیون، (۶ جلد) به نحو کامل و جامعی در آغاز تفسیر هر سوره به ذکر نوع سوره و آیات اختلافی آن به همراه قائل یا قائلین آن^{۳۸} می‌پردازد. به عنوان نمونه در آغاز تفسیر سوره اعراف می‌نویسد:

مکیة کلها فی قول الحسن و عطاء و عکرمة و جابر. وقال ابن عباس و قتاده: مکیة الا خمس آیات و هی ﴿وَسَأَلُهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَّعًا وَ يَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ﴾ (۱۶۳) الی آخر الخمس.^{۳۹}

زرکشی در البرهان در نوع ویژه مکی و مدنی به اقوال وی استناد می‌کند. سیوطی در آغاز نوع اول الاتقان کتابی در زمینه مکی و مدنی به مکی بن ابی طالب قیسی (م ۴۳۷ ق)^{۴۰} نسبت می‌دهد؛ ولی نامی از خود تألیف نمی‌برد.^{۴۱} این در حالی است که دکتر احمد حسن فرحات استاد دانشگاه کویت در کتاب «مکی بن ابی طالب و تفسیر القرآن» که رساله دکتری وی است در مبحث «مؤلفات مکی» ضمن بر شمردن کلیه تألیفات مکی - خواه موجود باشد یا مفقود - یا حتی کتبی که انتساب آنها به وی نادرست است^{۴۲} اشاره‌ای به این کتاب یا حتی انتساب به وی نکرده است.

همچنین محقق کتاب البرهان زرکشی، دکتر یوسف عبدالرحمن مرعشلی در پاورقی اول باب «معرفة المکی و المدنی» می‌نویسد: «و نسب السيوطي في الاتقان للامام مكي بن أبي طالب كتاباً في المكي و المدني لم نتوصل لمعرفة.»^{۴۳}

بنابراین دو احتمال وجود دارد یا کتاب وی به دست ما نرسیده یا به احتمال قوی مراد سیوطی از «أفرده بالتصنيف جماعة، منهم مكي»^{۴۴} اشاره به کتاب «الايضاح لناسخ القرآن و منسوخه»^{۴۵} او باشد؛ زیرا مکی در این کتاب به مسائل مکی و مدنی اهتمام



دارد و ضمن بر شمردن شناخت مکی و مدنی به عنوان یکی از مقدمات شناخت ناسخ و منسوخ از ضوابط شناخت سوره‌های مکی و مدنی سخن می‌گوید^{۴۶} سپس در آغاز بیان اقوال مختلف راجع به نسخ هر سوره به مکی یا مدنی بودن آن اشاره می‌کند.^{۴۷} همچنین در جای جای کتاب به تناسب بحث، از مکی یا مدنی بودن آیات و سور سخن گفته است.^{۴۸}

باز در این قرن عثمان بن سعید، ابو عمرو دانی^{۴۹} (م ۴۴۴ ق) از دانشوران علوم قرآن و حدیث، ضمن مطالب کتاب «البيان في عدّ آی القرآن»^{۵۰} فصلی پربرار تحت عنوان «باب ذکر المکی و المدنی من القرآن» می‌نگارد^{۵۱} و به ذکر روایاتی درباره: ضوابط شناخت آیات مکی و مدنی، سور مکی و سور مدنی، ترتیب نزول سور در مکه و مدینه و جز اینها می‌پردازد. وی سپس در آغاز هر سوره به مکی یا مدنی بودن آن اشاره می‌کند و اقوال مختلف راجع به سوره‌هایی که در مکی یا مدنی بودن آنها اختلاف شده است را نیز بیان می‌کند و از این جهت منحصر به فرد است.^{۵۲}

ابوبکر احمد بن حسین بیهقی (م ۴۵۸ ق) نیز در همین قرن در کتاب «دلائل النبوة» بابتی را گشوده با نام «باب ذکر السور التي نزلت بمكة و التي نزلت بالمدينة» و در آن برخی روایات ترتیب نزول سوره‌های قرآن در مکه و مدینه را گزارش نموده است.^{۵۳}

سده ششم

در این سده دانشمندی به نام ابو الفرج، عبدالرحمن بن علی معروف به ابن جوزی (م ۵۹۷ ق) ظهور می‌کند و تالیفات فراوانی را در زمینه قرآن و علوم آن نگارش می‌کند از جمله تفسیری به نام «زاد المسیر في علم التفسیر». وی کتابی در علوم قرآن می‌نگارد که به نام «فنون الأفتان في عیون علوم القرآن» و فصل کوتاهی را با عنوان «بیان السور المکیة و المدینة» در این کتاب به رشته تحریر در آورده است.^{۵۴}



سده هفتم

در قرن هفتم علم الدین سخاوی^{۵۵} (م ۶۴۳ ق) - شیخ القراء عصر خود در دمشق^{۵۶} و از متکلمان، ادیبان و مصنفان پر تالیف - مجموعه‌ای با عنوان «جمال القراء و کمال الإقراء» نگاشت شامل نه فصل در موضوعات مختلف علوم قرآنی^{۵۷} که مایه و پایه‌ای برای نگارندگان کتب علوم قرآنی - همچون زرکشی - در سده‌های بعد است. وی در فصل اول با عنوان «نثر الدرر فی ذکر الآیات و السور» به شکل پر مایه به بحث از اولین بخش نازل شده از قرآن، ترتیب نزول می‌پردازد و سپس به شکل بی‌سابقه‌ای به اقوال مختلف درباره مکی و مدنی بودن تک‌تک سور - اعم از تمام یا بخشی از آن - می‌پردازد.^{۵۸}

سیوطی در آغاز نوع اول الاتقان، عزالدین دیرینی^{۵۹} (م ۶۹۴ ق) را از کسانی برمی‌شمارد که در این موضوع صاحب تالیف هستند و در نوع ویژه مکی و مدنی نیز از وی بیت شعری را گزارش می‌کند؛ ولی نامی از عنوان تالیف وی نمی‌برد:
أفرده بالتصنيف جماعة منهم مكي و العز الديريني.^{۶۰}

عبدالرزاق حسین احمد مولف «المکي و المدني في القرآن الکریم» در این باره می‌نویسد: «و بعدَ بحثٍ طویل لم أعثر علي هذا التالیف الذی أشار إليه الامامُ السیوطي». ^{۶۱} همچنین محقق کتاب البرهان زرکشی، دکتر یوسف عبدالرحمن مرعشلی در پاورقی اول باب «معرفة المکي و المدني» می‌نویسد: «و نسب السیوطي في الاتقان للامام مكي بن أبي طالب کتاباً في المکي و المدني لم تتوصل معرفته كما نسب للعزّ الديريني، عبدالعزيز بن أحمد بن سعيد، أبو محمد شافعي کتاباً فيه.»^{۶۲} بنابراین این کتاب باید از دست رفته باشد.



سده هشتم (آغاز مباحث نظری)

برهان الدین جَعْبَری^{۶۳} (م ۷۳۲ ق) در این قرن دارای دو اثر درباره مکی و مدنی است یکی اختصاص فصل هشتم کتاب «حسن المدد» به این بحث با عنوان «السور المکیة و المدنیة و الآیات السفریة»^{۶۴} مولف در این فصل برای اولین بار به شکل نظری به علم مکی و مدنی نگاه می‌کند و از فائده و شیوه شناخت آیات مکی و مدنی سخن می‌گوید. وی می‌نویسد:

وجل فائده تظهر في علم الناسخ و المنسوخ بسبب معرفه التقدّم و التاخر و له طریق سماعی و قیاسی. فالسماعی ما وصل الینا نزوله بأحدهما و القیاسی: قال علقمه^{۶۵}

جعبری در این فصل علاوه بر روایات ضوابط شناخت مکی و مدنی به اختصار به این مباحث می‌پردازد:

بیان سور مکی و مدنی، آیات نازل شده در سفرها (سفریات) و بیان مکان نزول آنها، تعداد سوری که اجماعاً مکی است یا اجماعاً مدنی است و سور اختلافی و تعداد آیات مکی که در سور مدنی قرار دارند و بالعکس.

اثر دیگر وی قصیده‌ای است با عنوان «تقریب المأمول فی ترتیب النزول» در ترتیب نزول سور مکی و مدنی که سیوطی آنرا در الاتقان آورده است و طبق گزارش سیوطی وی در این قصیده بر روایت ترتیب نزول جابر بن یزید (م ۹۳ ق) اعتماد کرده است.^{۶۶} بدر الدین، محمد بن بهادر زرکشی^{۶۷} (م ۷۹۴ ق) از دانشوران بزرگ علم اصول و علوم قرآنی است که در قرن هشتم در قاهره چشم به جهان می‌گشاید. در آن زمان قاهره مملو از دانشمندان و طلاب علم و مدارس و کتابخانه بود. وی تمام وقت خود را صرف دانش می‌کرده و به اندکی از دنیا اکتفا می‌کرد.

بدرالدین زرکشی سهم به سزایی در سیر تکاملی علم مکی و مدنی و گسترش آن دارد. وی در کتابی مفصل که درباره علوم قرآن به نام «البرهان فی علوم القرآن» می‌نگارد با مراجعه گسترده به آثاری که پیش از وی نگاشته شده بود - به برکت بازار



کتاب‌فروشی و کتابخانه‌های بزرگ قاهره - و افزودن دستاوردهای علمی خود فصول علوم قرآنی را گسترش می‌دهد. علم مکی و مدنی نیز از این امر بی‌بهره نمی‌ماند، در نتیجه وی فصلی پر برگ و بار در این زمینه در نوع نهم کتاب البرهان می‌نگارد^{۶۸} و مباحث نظری علم مکی و مدنی و مسائل آن را به شکل بی‌سابقه‌ای تبیین می‌کند و تفصیل می‌دهد. در این کتاب می‌توان تقریباً تمام آنچه تا آن سده درباره مکی و مدنی نوشته شده را یکجا ملاحظه نمود.

سده نهم

در قرن نهم محمد بن یعقوب فیروزآبادی (م ۸۱۷ ق) صاحب قاموس المحيط، کتابی می‌نگارد به نام «بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتب العزیز» در سی باب که بعد از چند فصل مقدماتی به تفسیر مفردات قرآن می‌پردازد. این کتاب در شش جلد چاپ شده است.

فیروزآبادی دو فصل از این کتاب را به بحث از مکی و مدنی اختصاص داده است. فصل پنجم را با عنوان «فی ترتیب نزول سور القرآن» به ترتیب نزول سوره‌های مکی و مدنی اختصاص داده است^{۶۹} و در فصل ششم با عنوان «فیما لا بدّ من معرفته فی نزول القرآن» به اختصار به مسائل مختلف مکی و مدنی پرداخته است. به گونه‌ای که می‌توان چکیده‌ای از مسائلی که در «التنزیل و ترتیبه» اثر ابوالقاسم نیشابوری مطرح شده و در البرهان نیز تکرار شده را در اینجا ملاحظه کرد.^{۷۰}

سده دهم (بسط و گسترش نقلی)

جلال الدین سیوطی^{۷۱} (م ۹۱۱ ق) نقطه عطف دیگری را در سیر تکاملی علم مکی و مدنی رقم زد و در غنا و بسط مسائل این علم نقشی شایان توجه دارد. وی بعد از دست یافتن به البرهان زرکشی کتابی مفصل‌تر و با نظمی بهتر درباره علوم قرآن می‌نگارد به نام «الاتقان فی علوم القرآن». وی در نوع اول کتاب به بحث گسترده درباره جوانب مختلف علم مکی و مدنی می‌پردازد و مطالب زرکشی در نوع نهم البرهان را با چینی‌شی



بهتر گزارش و تکمیل می‌کند و عناوین و مطالب بسیاری به آن می‌افزاید و روایات و اقوال بسیاری از پیشینیان را در عناوین مناسب نقل می‌کند و فصلی پربار و علمی در این علم می‌نگارد و برخی از مسائل این علم را در فصلهای مجزایی مطرح و به تفصیل تبیین می‌کند. وی در این راه از کتابخانه بزرگ پدرش که برای او به ارث گذاشته بود و دیگر کتابخانه‌های قاهره (همچون المكتبة المحمودیه) بسیار بهره می‌برد.

سده چهارده (دوره بسط و گسترش نظری)

در سده چهارده نگرش به علوم و پژوهش‌ها در تمامی عرصه‌های فکری بسیار ترقی کرد و پژوهش‌ها، بسیار دقیق، با مرزهایی روشن و مجزا و گسترده شدند. در علوم قرآن و بالتبع علم مکی و مدنی نیز پژوهشهای ژرف و گسترده‌ای سامان یافت که در چهار عنوان کلی قابل بررسی است.

الف) کتب تاریخ قرآن

در بسیاری از کتبی که به مباحث تاریخی قرآن می‌پردازند شاهد فصلی - هر چند کوتاه - درباره مکی و مدنی هستیم که مهمترین این کتب عبارتند از:

۱. تاریخ قرآن، اثر محمود رامیار (م ۱۳۶۳ ش)؛
- محمود رامیار با نظمی جالب و بیانی روشن و شیوا و غالبا با تکیه بر مطالب البرهان زرکشی، الاتقان سیوطی و مناهل العرفان زرقانی^{۷۲} فصلی پردامنه را در این زمینه تحریر کرده است و مطالبی نیز درباره تلاشهای مستشرقان در این زمینه دارد.^{۷۳}
۲. تاریخ القرآن، اثر محمد حسین علی الصغیر؛^{۷۴}
۳. تاریخ قرآن کریم، اثر دکتر سید محمد باقر حجتی.^{۷۵}

ب) کتب علوم قرآن

۱. مناهل العرفان فی علوم القرآن، اثر محمد عبدالعظیم زرقانی (م ۱۳۶۷ ق - ۱۹۴۸ م)، استاد دانشگاه الازهر مصر؛ زرقانی در فصل هفتم کتاب به شکلی گسترده به این موضوع پرداخته است و مطالبی را بر این علم افزوده است از جمله شبهات مستشرقان



درباره آیات مکی و مدنی را مطرح و جواب گفته است و در این کار پیشگام دیگر مولفان معاصر علوم قرآنی شده است.^{۷۶}

۲. علوم القرآن، اثر سید محمد باقر حکیم؛ شهید صدر بحثی نسبتاً مبسوط در این موضوع نگاشته و به تناسب بحث، نظرات خود را بیان کرده است و با مباحث عالمانه برخورد کرده است. وی در پایان این فصل به رد شبهات مطرح شده در این باب پرداخته است.^{۷۷}

۳. مباحث فی علوم القرآن، اثر دکتر صبحی صالح استاد دانشگاه لبنان؛ صبحی صالح با نگاهی کلی، نو و محققانه مباحث مکی و مدنی را بررسی و به نکات دقیقی اشاره کرده است و مباحث نظری این علم را گسترش می دهد همچنین بخش پایانی کتاب را به آراء مستشرقان اختصاص داده است.^{۷۸}

۴. التمهید فی علوم القرآن، اثر محمد هادی معرفت؛ استاد معرفت نیز فصل قابل توجهی از اثر فخیم خود را به این بحث اختصاص داده اند.^{۷۹} استاد معرفت از کسانی است که با نگاهی دقیق و نقادانه به مباحث نگاه می کند. از این رو نقطه برجسته بحث وی درباره سوره و آیات اختلافی است که بخش فراوانی از این فصل را نیز به خود اختصاص داده است.

ج) تک نگاریها

۱. المکی و المدنی فی القرآن الکریم، اثر عبدالرزاق حسین احمد؛ از کتابهای منحصر به فرد معاصر که به این دانش و مسائل نقلی و نظری آن پرداخته است کتاب فوق است. این کتاب پایان نامه کارشناسی ارشد عبدالرزاق حسین احمد در الجامعه الاسلامیه مدینه است. مولف جلد اول کتاب را به مباحث مختلف علم مکی و مدنی اختصاص داده است و از تعریف، تاریخچه، اصطلاحات، ارتباط این علم با دیگر علوم قرآنی، فوائد، ضوابط و بررسی سوره مکی و مدنی و اختلافی به تفصیل سخن گفته است.^{۸۰} سپس در جلد دوم به شکل کامل و جامع تمام آیاتی که از اول قرآن تا پایان سوره اسراء با کل سوره در مکی و مدنی بودن همداستان نیستند (آیات مستثنی) را نقل کرده است و تک تک بررسی کرده است.^{۸۱}



۲. أهم خصائص السور و الآيات المكيه ومقاصدها، اثر دكتر احمد عباس البدوى؛ اين كتاب رساله دكتورى بدوى است كه در سال ۱۴۰۰ ق در دانشگاه ام القري مكه دفاع شده است. مولف ابتدا به مباحث نقلی و نظری علم مكى و مدنى می‌پردازد و از ویژگی‌های آیات و سور مكى سخن می‌گوید و سپس به تفصیل از اهداف آیات و سور مكى سخن می‌گوید و نیمی از كتاب خود را به اين بحث اختصاص می‌دهد.

۳. خصائص السور و الآيات المدنيه، ضوابطها و مقاصدها، اثر دكتر عادل محمد صالح استاد دانشگاه الملك عبدالعزيز سعودی؛ اين كتاب نیز پایان‌نامه مولف در مرحله کارشناسی ارشد است كه در سال ۱۴۰۵ ق در دانشگاه ام القري دفاع شده است. مولف به سبك بدوى عمل کرده است و نيمه دوم كتاب را به اهداف و موضوعات کلی آیات و سور مدنى اختصاص داده است.

د) پژوهشهای خاورشناسان

در این سده شاهد اقبال و رویکرد خاورشناسان به مطالعات و پژوهش‌های قرآنی به ویژه در عرصه تاریخ قرآن هستیم. از جمله مباحث تاریخ قرآن، بحث ترتیب و دوره‌های نزول آیات و سور در مکه و مدینه است كه پاره‌ای از مستشرقان بدان پرداخته‌اند از جمله:

تتولدر نولدكه (آلمانی) در كتاب تاریخ قرآن^{۸۲}؛ ویلیام مویر خاورشناس انگلیسی در كتاب زندگانی محمد صلی الله علیه و آله؛ رژی بلاشر خاورشناس فرانسوی و استاد دانشگاه سوربن در ترجمه‌ای كه از قرآن مجید ارائه داده است و نیز كتاب «در آستانه قرآن»^{۸۳}.



پی نوشت

۱. ابوسعده، سمعانی؛ **الأنساب**؛ ج ۵، ص ۳۷۶.
۲. (وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ وَ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا) (۲۴) و اوست همان کسی که در دل مکه- پس از پیروز کردن شما بر آنان- دستهای آنها را از شما و دستهای شما را از ایشان کوتاه گردانید، و خدا به آنچه می کنید همواره بیناست.
۳. **المفردات فی غریب القرآن**، ص: ۷۷۲.
۴. **لسان العرب**. ذیل ماده «مکک»
۵. توبه؛ ۱۰۱.
۶. ابوسعده، سمعانی؛ ج ۵، ص ۳۵.
۷. **کنز العمال**، ج ۱۲، ص ۲۳۲.
۸. جلال الدین، سیوطی؛ **الاتقان**؛ ص ۱۹.
۹. ر.ک: عبدالرزاق، حسین أحمد؛ **المکی و المدنی**؛ ج ۱، ص ۳۹.
۱۰. عبدالرزاق حسین احمد این علم را اینگونه تعریف می کند: «علمٌ يبحثُ منازلَ القرآنِ المکی و المدنی و کلُّ ما یتعلَّقُ بذلک من ملبساتِ الأحوال». (المکی و المدنی فی القرآن الکریم؛ ج ۱، ص ۴۱)
۱۱. جلال الدین، سیوطی؛ **الاتقان**؛ ص ۲۰.
۱۲. ابن سعد، محمد؛ **الطبقات الکبری**؛ ج ۲، ص ۳۳۸.
۱۳. همان.
۱۴. رشته کوهی در شمال مدینه.
۱۵. جلال الدین، سیوطی؛ **الاتقان**؛ ص ۲۰.
۱۶. صبحی صالح؛ **مباحثی در علوم قرآن**؛ ص ۲۶۱.
۱۷. ر.ک: جلال الدین، سیوطی؛ **الاتقان**؛ ص ۲۰.
۱۸. ر.ک: همان؛ ص ۳۱.
۱۹. جلال الدین، سیوطی؛ **الاتقان**؛ ص ۲۰.
۲۰. زرکشی، محمد بن عبدالله؛ **البرهان فی علوم القرآن**؛ ج ۱، ص ۲۷۹.
۲۱. در الفهرست النذیم آمده: «الکتب المؤلفه فی نزول القرآن. کتاب الحسن بن ابی الحسن. کتاب عکرمه عن ابن عباس». (النذیم، محمد؛ **الفهرست**؛ ص ۴۰). عنوان «نزول قرآن» در آن عصر - چنانکه برخی قرآن پژوهان نیز استنباط کرده اند - ناظر به مباحث ترتیب نزول و سور مکی و مدنی و اولین و آخرین آیات نازل شده است.
۲۲. برای آشنایی با زندگی تاسفبار و پندآموز وی ر.ک: **سیره پیشوایان**، مهدی پیشوایی، صص ۲۷۷-۲۹۴.
۲۳. محمد بن مسلم بن شهاب الزهری، **تنزیل القرآن**، تحقیق صلاح الدین المنجد؛ به نقل از عبدالرزاق، حسین احمد؛ ج ۱، صص ۶۴-۶۵ و زرکشی؛ **البرهان**؛ ج ۱، ص ۲۷۳، پاورقی.
۲۴. ر.ک: **معجم البلدان**، مدخل هرات.
۲۵. ر.ک: قاسم بن سلام، هروی؛ **فضائل القرآن**؛ صص ۳۷۰-۳۶۳.



۲۶. منسوب به «بجله» یا «بجیله» نام قبیله‌ای معروف است.
۲۷. محمد بن ایوب، ابن ضریس؛ فضائل القرآن؛ صص ۳۹-۳۳.
۲۸. ر.ک: حارث بن اسد، محاسنی؛ العقل و فهم القرآن؛ صص ۳۹۷-۳۹۴.
۲۹. عبدالرزاق حسین احمد در کتاب «المکی والمدنی فی القرآن» در بحث سیرنگارشیهای این علم به کتابی با عنوان «ما نزل من القرآن فی صلب الزمان» اشاره می‌کند اثر ابو عبدالله جوهری، احمد بن محمد الشیعی (م ۴۰۰ ق) (المکی و المدنی، ج ۱، ص ۶۸) در حالی که با مراجعه با منبعی که عبدالرزاق از آن نقل کرده یعنی ایضاح المکنون نام کتاب «ما نزل من القرآن فی صاحب الزمان لأبی عبدالله الجوهری أحمد بن محمد صاحب اخبار جابر» (ج ۴، ص ۴۲۱) آمده است.
۳۰. ر.ک: الندیم، محمد؛ پیشین، ص ۲۸.
۳۱. ص ۳۵.
۳۲. شاید اشاره به اولین و آخرین سور و آیات نازل شده دارد.
۳۳. شاید اشاره به اسباب نزول دارد.
۳۴. زرکشی، البرهان، ج ۱، نوع نهم، ص ۲۸۰.
۳۵. مقاله «کتاب التنبیه علی فضل علوم القرآن لأبی القاسم الحسن بن محمد ابن الحسن بن حبيب».
۳۶. البرهان، صص ۲۷۹ - ۲۹۲. ر.ک: المکی و المدنی فی القرآن، ج ۱، صص ۶۹ - ۷۱.
۳۷. وی ابو الحسن علی بن محمد بن حبيب است که در بصره متولد می‌شود و چون پدرش گلاب فروش (ماء الورد) بود به آن منسوب شد. (النکت و العیون، ج ۱، ص ۹).
۳۸. ر.ک: ابوالحسن، ماوردی، النکت و العیون؛ ج ۱، ص ۴۴۶؛ ج ۲، ص ۱۹۸ و ۴۴۶، ۲۹۲، ۴۲۰ و ...
۳۹. ج ۲، ص ۱۹۸.
۴۰. وی از مفسران و قرآن‌پژوهان بزرگ این قرن است که حدود ۷۰ اثر در علوم قرآنی نگاشته است که برخی از آنها در گذر زمان از دست رفته است. (سیر نگارشیهای علوم قرآنی، ص ۵۸)
۴۱. جلال الدین، سیوطی؛ الاتقان؛ پیشین؛ ص ۱۹.
۴۲. ر.ک: فروحات، أحمد حسن؛ مکی بن ابی طالب؛ صص ۱۴۴ - ۱۰۹.
۴۳. محمد بن عبدالله، زرکشی، پیشین؛ ج ۱، ص ۲۷۳، پاورقی.
۴۴. جلال الدین، سیوطی؛ الاتقان؛ پیشین؛ ص ۱۹.
۴۵. همان؛ ص ۱۲۷.
۴۶. مکی بن ابی طالب، قیسی؛ الايضاح لناسخ القرآن و منسوخه؛ صص ۱۱۵-۱۱۳.
۴۷. گرچه محقق کتاب، أحمد حسن فرحات بعد از ذکر عنوان سوره، مکی یا مدنی بودن آن را درون پرانتز آورده است اما با مراجعه به صفحات ۳۵۳، ۳۸۱ و ۳۹۷ در می‌یابیم که در اصل کتاب نیز به همین شکل بوده است.
۴۸. قیسی، مکی بن ابی‌طالب؛ پیشین، صص ۱۲۷، ۱۵۶، ۱۶۶، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۲۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۳۲۵، ۳۷۴، ۴۰۷ و ...



۴۹. منسوب به «دانیة» از شهرهای اندلس. (رک: **معجم البلدان**) وی در سال ۳۷۱ ق در قرطبه به دنیا می آید و در سال ۴۱۷ به شهر دانیه کوچ می کند و تا پایان عمر در این شهر زندگی می کند. (**البيان في عدای القرآن**، ص ۸) مشهورترین کتاب وی «التيسير في القراءات السبع» در علم قرائت است.
۵۰. مکاتب شمارش آیات قرآن هفت تا است: مدنی اول، مدنی اخیر، مکی، بصری، کوفی، دمشقی و حمصی.
۵۱. ابوعمرو، دانی؛ **البيان في عدای القرآن**؛ صص ۱۳۸-۱۳۲.
۵۲. به عنوان مثال رک: همان، ص ۱۳۹، ۱۶۹، ۲۱۴، ۲۳۷ و ...
۵۳. احمد بن حسین، بیهقی، **دلایل النبوه**؛ ج ۷، صص ۱۴۵-۱۴۲.
۵۴. عبدالرحمن بن علی، ابن جوزی؛ **فنون الأفتان**؛ همان، ص ۱۶۹-۱۶۸.
۵۵. وی ابوالحسن، علی بن محمد بن عبدالصمد معروف به علم الدین سخاوی است، منسوب به «سخا» شهری در سرزمین مصر.
۵۶. سیوطی، **طبقات المفسرين**. ص ۷۲.
۵۷. مکی و مدنی، نسخ، اعجاز، قرائت و تجوید.
۵۸. علم الدین، سخاوی، **جمال القراء**؛ ج ۱، صص ۱۵۴-۱۳۱.
۵۹. وی عبدالعزیز بن احمد بن سعید، عزالدین الدُمیری معروف به دیرینی (منسوب به دیرین از روستاهای قدیم در سرزمین مصر) است. وی دانشمندی زاهد و صوفی و دارای کرامت بوده که و مردم برای ترک به وی رو می آوردند لذا دائما از روستای به روستا دیگر نقل مکان می کرد. (**التيسير في التفسير**، دیرینی، ص ۶) وی تفسیری منظوم به نام التيسير فی التفسير دارد که به گفته خودش آن را در چهل روز به نظم کشیده است و در شمار تفاسیر لغوی قلمداد می شود.
۶۰. سیوطی، **الاتقان**.
۶۱. **المکی و المدنی في القرآن الکریم**؛ ص ۷۷.
۶۲. محمد بن عبدالله، زرکشی، پیشین؛ ج ۱، ص ۲۷۳، پاورقی.
۶۳. وی ابراهیم بن عمر جعبری (منسوب به جعبر، قلعه‌ای بر کنار رود فرات. **معجم البلدان**)
۶۴. صص ۴۸ - ۵۰.
۶۵. حسن المدد، ص ۴۸.
۶۶. جلال الدین، سیوطی؛ **الاتقان**؛ پیشین؛ ص ۴۴.
۶۷. منسوب به «زرکش» - بر وزن جعفر - حرفه‌ای است که در کودکی از پدر می آموزد. در مورد وی گفته‌اند اصالتا ترک بوده است. (**معجم المطبوعات العربيه**، ص ۹۶۸)
۶۸. محمد بن عبدالله، زرکشی؛ پیشین؛ ج ۱، صص ۲۹۲-۲۷۲.
۶۹. محمد بن یعقوب؛ فیروزآبادی، **بصائر ذوی التميز**؛ ج ۱، صص ۹۹-۹۷.
۷۰. همان؛ صص ۱۰۷-۱۰۰.
۷۱. وی عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی است که در سال ۸۴۹ قمری در خانواده‌ای عالم و ادیب در شهر قاهره متولد می شود ولی منسوب به «أسیوط» از شهرهای مصر است چرا که پدرش قبل از هجرت به قاهره منصب قضای شهر آسیوط را به عهده داشته است.
۷۲. البته رامیار به کتاب مناهل العرفان ارجاعی ندارد ولی مقایسه کتب این مطلب را به دست می دهد.

۷۳. رامیار، تاریخ قرآن، صص ۶۰۱-۶۲۴.
۷۴. صص ۴۹-۶۶.
۷۵. صص ۷۳-۸۲.
۷۶. المناهل، صص ۱۹۵-۲۳۹. (شهید سید محمد باقر صدر نیز به شبهات این بحث پرداخته است ولی وی متوفای ۱۴۰۲ ق است لذا متاخر از زرقانی بوده است.)
۷۷. صص ۷۳-۹۷.
۷۸. صص ۱۶۴-۲۳۳.
۷۹. ج ۱، صص ۱۲۹-۲۳۷.
۸۰. ج ۱، صص ۳۵-۴۹۵.
۸۱. عبدالرزاق، حسین احمد؛ ج ۲؛ صص ۸۲۴-۸۱۴.
۸۲. این کتاب اخیرا توسط جورج تامر از آلمانی به عربی ترجمه شده است.
۸۳. این کتاب دکتر محمود رامیار به فارسی ترجمه شده است.

منابع

۱. سیوطی، جلال الدین، الاتقان، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۳۵ ق.
۲. سمعانی، ابوسعید، الأنساب، بیروت، ناشر: محمد امین دمج، تحقیق عبدالرحمن المعلمی و دیگران، چاپ دوم، ۱۴۰۰ ق.
۳. البدوی، احمد عباس، اهم خصائص السور و الآيات المکیه، عمّان: دارعمار، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق.
۴. ایضاح المکنون
۵. قیسی، مکی بن ابی طالب، الايضاح لناسخ القرآن و منسوخه جده: دارالمناره، چاپ او، ۱۴۰۶ ق.
۶. زرکشی، محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دارالمعرفه، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.
۷. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، بصائر ذوی التمییز، بیروت: المکتبه العلمیه، [بی تا] تحقیق محمد علی النجار، [بی جا].
۸. دانی، ابوعمر، البیان فی عد آی القرآن، تحقیق غانم قدوری الحمد، کویت: منشورات مرکز المخطوطات و التراث و الوثائق، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۹. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۲ ش.



۱۰. مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، تحقیق عبدالله محمود شحاته، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی، چاپ اول، ۱۴۲۳ ق.
۱۱. معرفت، محمد هادی، التمهید، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق.
۱۲. التیسیر فی التفسیر
۱۳. سخاوی، علم الدین، جمال القراء، تحقیق عبد الکریم زبیدی، بیروت: دارالبلاغه، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
۱۴. جعبری، ابراهیم بن عمر، حسن المدد فی فنّ العدد، تحقیق جمال الشایب، [بی‌جا]، [بی‌جا]، مکتبه اولاد الشیخ للتراث، [بی‌تا].
۱۵. ابوالعلا، عادل محمد صالح، خصائص السور و الآيات المدینه، [بی‌جا]، جدّه: دارالقبلة للثقافه الإسلامیه، [بی‌تا].
۱۶. دیاری، محمد تقی، درآمدی بر تاریخ علوم قرآنی، قم: انتشارات دانشگاه قم، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش
۱۷. بیهقی، احمد بن حسین، دلائل النبوه، تحقیق عبدالمعطی قلجی، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۰۵ ق.
۲۰. محاسبی، حارث بن اسد، العقل و فهم القرآن، [بی‌جا]، دارالفکر، چاپ دوم، ۱۳۹۸ ق.
۲۱. ابن ضریس، محمد بن ایوب، فضائل القرآن، تحقیق غزوه بدیر، دمشق: دارالفکر، چاپ اول، ۱۹۸۸ م.
۲۲. هروی، قاسم بن سلام، فضائل القرآن، تحقیق مروان العطیه و دیگران، بیروت: دار ابن کثیر، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.
۲۳. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، فنون الأفنان، تحقیق محمد ابراهیم سلیم، [بی‌جا]، قاهره: مکتبه ابن سینا، [بی‌تا].
۲۴. الندیم، محمد، الفهرست، تهران: تحقیق رضا تجدید، چاپ دوم، ۱۳۹۳ ق.
۲۷. صبّحی، صالح، مباحثی در علوم قرآن، ترجمه دکتر محمد علی لسانی، تهران: نشر احسان، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش، ص ۲۶۱.
۲۸. حموی، یاقوت، معجم البلدان [بی‌جا]، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۷۹ م.
۲۹. معجم المطبوعات العربیه
۳۰. راغب اصفهانی، مفردات فی غریب القرآن

۳۱. فرحات، أحمد حسن، مکی بن أبی طالب، عمان: دار عمار، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق.
۳۲. عبدالرزاق، حسین أحمد، المکی و المدنی فی القرآن الکریم، قاهره: ابن عفان، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق.
۳۳. زرقانی، محمد عبدالعظیم، مناہل العرفان، [بی‌چا]، بیروت: دار الکتب العلمیہ، ۱۴۱۶ ق.
۳۴. ماوردی، ابوالحسن، النکت و العیون، تعلیق السید بن عبدالمقصود، [بی‌چا]، بیروت: موسسه الکتب الثقانیہ، [بی‌تا].

